

بِسْمِ  
اللَّهِ  
الرَّحْمَنِ  
الرَّحِيمِ



سرشناسه: حسام، حمید، ۱۳۴۰-

Hesam, Hamid

عنوان و نام پدیدآور: فانوسی که افسانه نبود/ خاطرات سردار شهید حسن تُرک (فرمانده گردان کمیل لشکر ۲۷ محمد رسول الله، فرمانده طرح و عملیات لشکر ۳۲ انصارالحسین)/حمید حسام؛ ویراستار سپیده شاهی.

مشخصات نشر: تهران/شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۵۲۴ص.؛ مصور.

شابک: ۷-۵۵۳۵-۳-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

عنوان دیگر: خاطرات سردار شهید حسن تُرک (فرمانده گردان کمیل لشکر ۲۷ محمد رسول الله، فرمانده طرح و عملیات لشکر ۳۲ انصارالحسین).

موضوع: داستان های فارسی -- قرن ۱۴

Persian fiction -- 20th century

موضوع: تُرک، حسن، ۱۳۴۱-۱۳۶۴.

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- داستان

Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Martyrs -- Fiction

سرداران -- ایران -- داستان

Generals -- Iran -- Fiction

شناسه افزوده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. لشکر مکانیزه ۲۷ محمد رسول الله (ص). گردان کمیل

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

رده بندی کنگره: PIR۸۰۲۲

رده بندی دیویی: ۸۴۳/۶۲

شماره کتاب شناسی ملی: ۹۸۹۰۴۱۸

اطلاعات رکورد کتاب شناسی: فیبا

خاطرات  
سردار شهید  
حسن ترک

# فانوسی کہ افسانہ

فرمانده گردان کمیل لشکر ۲۷ محمد رسول اللہ  
فرمانده طرح و عملیات لشکر ۳۲ انصارالحسین

حمید حسام



## فانوسی که افسانه نبود

خاطرات سردار شهید حسن ترک  
(فرمانده گردان کمیل لشکر ۲۷ محمد رسول الله  
فرمانده طرح و عملیات لشکر ۳۲ انصارالحسین)

نویسنده: حمید حسام  
ویراستار: سپیده شاهی  
طراح جلد: احسان حسینی

چاپ و صحافی: پیکان

چاپ اول: ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۲۵۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۵۵۳۵-۷

**دوره مهر** تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، پلاک ۲۳،  
تلفن: ۶۱۹۴۲، دورنگار: ۶۶۴۶۹۹۵۱

**دوره مهر سمیه** تهران، خیابان سمیه، نرسیده به خیابان  
حافظ، جنب حوزه هنری، پلاک ۲۴۵، تلفن: ۸۸۹۴۹۷۹۱-۲

**دوره مهر انقلاب** تهران، خیابان انقلاب، میدان انقلاب،  
جنب سینما بهمن، پلاک ۱۰۲۳، تلفن: ۶۶۴۷۶۵۶۸-۹

**دوره مهر ساحل** اصفهان، میدان انقلاب، سینما ساحل،  
کد پستی: ۸۱۳۳۶۱۴۵۱۱، تلفن: ۳۱-۳۲۲۴۷۷۳۵-۶

**دوره مهر کوهسنگ** مشهد، انتهای خیابان کوهسنگی،  
کوهسنگی ۲۹، مجتمع تجاری مهر کوهسنگی، طبقه ششم،  
تلفن: ۳۸۴۹۹۱۵۶-۳۸۴۹۷۱۵۸ و ۵۱-۵۱

**دوره مهر شهبان** همدان، آرامگاه بوعلی سینا، پیاده‌راه بوعلی،  
جنب پردیس سینمایی مهر قدس، کد پستی: ۶۵۱۶۶۸۳۸۷۷

تلفن: ۳۲۵۲۵۶۱۳-۰۸۱ و ۳۲۵۲۹۵۰۱-۰۸۱

Sooremehr.ir

(پنج خط) ۶۶۴۶۰۹۹۳

Mehrak.ir

۳۰۰۰۵۳۱۹

@sooremehr\_pub

۱۵۹۱۸-۱۷۸۱۱

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

## کتاب‌ها در زمین ریشه دارند

طبق تفاهم نامه انتشارات سوره مهر و سازمان منابع طبیعی  
بخشی از عواید فروش این کتاب به کاشت درخت اختصاص دارد.



سوره مهر

به تمنای شفاعت  
تقدیم به:  
آن سه رفیق که یک روح در سه بدن بودند؛  
به لشکر سه نفره،  
به رفقای صادق الوعد،  
حسن ترک، سید جعفر حجازی، سعید تابلویی  
که بر پیمان با خود و در عهدشان با خدا صادق بودند.



فانوس آسمانی و من هم ستاره‌وار  
چشمک به سوی زورق مهتاب می‌زنم  
رفت آن شبی که اشک مرا خواب می‌ربود  
«امشب به سیل اشک ره خواب می‌زنم»

حسین منزوی





## فهرست

۱۱	به جای مقدمه
۱۵	مختصات پژوهش، مستندات، شیوه نگارش
۲۵	منابع مکتوب
۳۱	فصل اول: زیر درخت ممنوعه
۵۹	فصل دوم: آدم‌های غمگین تا آدم‌های مسکین
۷۹	فصل سوم: ققنوس‌های قراویز
۹۷	فصل چهارم: پهلو خالی کن‌ها
۱۳۱	فصل پنجم: رفقای صادق الوعد
۱۸۹	فصل ششم: گردان‌الفرار
۲۱۵	فصل هفتم: رزق حسن
۲۴۱	فصل هشتم: در آغوش خدا
۲۶۵	فصل نهم: کجایند برادران من
۳۰۹	فصل دهم: مقتل مجنون
۳۳۷	فصل یازدهم: گره از زبانم باز کن
۳۵۷	فصل دوازدهم: فانوس شب عاشورا
۳۸۵	فصل سیزدهم: هور، فرودگاه پرنده‌گان تسبیح‌گوی
۴۱۷	فصل چهاردهم: شده‌ام دربان بهشت
۴۷۱	تصاویر



## به جای مقدمه

یا نورُ یا قدوس

با چراغی همه جا گشتم و گشتم در شهر

هیچ کس هیچ کس اینجا به تو مانند نشد<sup>(۱)</sup>

رفیقم بود و «برادر حمید» صدایم می کرد. آن سیمای ملیح و متواضع  
جذب‌های داشت که ذره‌هایی چون من را هم به سمت خود می کشید.

می شناختمش: از روزی که در تابستان داغ سال ۱۳۶۰ عضو سپاه شد تا  
صبح سرد زمستانی فاو در اسفند ۱۳۶۴ که گلوله تک تیرانداز، وسط پیشانی  
و بالای کمان دو ابرویش را سوراخ کرد و سجده‌گاه نورانی اش در پس لایه‌ای  
از خون و خاک پنهان شد. آنجا هم او را از خطی که ترکش مین و المری در  
آذر ۱۳۶۳ زیر لبش انداخته بود شناختم و با بغض به حمید کاظمی<sup>(۲)</sup> گفتم  
«حسن است.» و پیکر بی جان او را با حمید کاظمی داخل قایق گذاشتیم  
و از فاو فرستادیم به آن سوی اروند در جزیره آبادان.  
قریب چهل سال از آن صبح سرد باروت زده در جاده فاو - ام‌القصر

۱. گریه‌های امپراتور، «غزل خدا حافظی»، فاضل نظری.

۲. مهندس حمید کاظمی، از دوستان قدیمی حسن ترک و مسئول پذیرش او در سپاه همدان  
در سال ۱۳۶۰.

می‌گذرد. قصه زندگی بسیاری از شهدا را نوشته‌ام. در همه این سال‌ها هر وقت صورتِ یوسف مثالِ او به خاطر می‌آمد، دست و دلم می‌لرزید و می‌گفتم: «حسن، تو نوشتنی نیستی!»

\*\*\*

شهدای بسیاری را می‌شناختم که حسن ترک‌الگوی زندگی و رزمشان بود. حاج حسین همدانی، فرمانده حسن ترک، به فرزندش، مهدی، گفته بود که اگر شهید شدم مرا کنار مزار حسن ترک دفن کنید. دقیقاً مشابه حاج قاسم سلیمانی که وصیت کرده بود قبرش مجاور مزار شهید حسین یوسف‌اللهی باشد. و چه پیام معناداری که این دو سپه‌دار جهان اسلام، پس از چهل سال جهاد مستمر و خالصانه، از میان هزاران شهیدی که در رکابشان بودند دست روی دو شاگرد جوانشان می‌گذارند؛ حسن ترک در لشکر ۳۲ انصارالحسین همدان و حسین یوسف‌اللهی در لشکر ۴۱ ثارالله کرمان.

به راستی چه مغناطیسی در حسن ترک بود که جذب به‌اش شهدا و حتی اولیا و علمای ربانی را مجذوب خود می‌کرد؛ برای عارف کامل، آیت‌الله آقا نجفی، «آهوی تیزپا» بود و برای پدر معنوی لشکر انصارالحسین، آیت‌الله سید رضا فاضلیان، «یک امت» و برای خلاصه همه فضیلت‌ها، حاج حسین همدانی، «آهن ربا» و برای فرمانده و معلم نهج البلاغه‌ی سپاه همدان، محمود شهبازی، «منور» و برای حاج همت... و اما برای آنان که او را نزیسته‌اند شاید افسانه!

\*\*\*

بر این باورم که نوشتن از حسن ترک و امثال او «اذن دخول» می‌خواهد؛ از جنس اذن دخول‌هایی که زائر در آستانه حرم می‌ایستد و برای تشرّف سلام می‌کند و آرزو می‌کند که ولی خدا سلامش را جواب بدهد. و من با

تمام حسرت و اشتیاق سی ساله ام برای نوشتن از «مرد خدا»<sup>(۱)</sup> همواره در تردید بودم که آیا از سوی آن عارف شهرت‌گریز، اذن دخول یافته‌ام یا نه؟ اما اینکه در میان تلاطم تردیدها چگونه «رزقِ حَسَن»<sup>(۲)</sup> روزی من شد و او اذن نگارش داد بماند برای «یوم تبلی السرائر»<sup>(۳)</sup>، اما ظاهر آن به دعای مادر چشم انتظار حسن برمی‌گردد و به پیشنهاد هم‌رزم همیشه همراه و هم‌نفس او، دکتر محمود حمیدزاده، و مقدمات مبارکی که رزمندۀ جانباز، رضا نعیمیان، و مدیران کنگره ملی ۸۰۰۰ شهید استان همدان در جمع‌آوری مستندات حسن ترک فراهم کردند و صدالبته، مطالبۀ نسلی که «مُتحدِّثانِ حُسَنَش»<sup>(۴)</sup> بودند.

\*\*\*

«فانوسی که افسانه نبود» زندگی نامۀ مستندی است که آفتِ تخیلِ دامن آن رانیالوده و در ساختار طرزی تازه و بدیع دارد؛ روایت زندگی شهید با زاویۀ دید اول شخص از زبان خود او.

انتخاب این اسلوبِ نامتعارف به دو دلیل است: نخست اینکه دل‌تنگ صدای صمیمی و زبانِ صادق او بودم و از پراکنده‌گفتارهایی که خرج شهید نمی‌شوند ملول. دلیل دوم ارائه یک مستند واقعی در یک ساختار روایی مبتنی بر یک پژوهش گسترده است و با علم و آگاهی از اینکه از حسن ترک هیچ نوار صوتی و هیچ مصاحبه‌ای وجود ندارد، این مسیر دشوار را برگزیدم تا حسن را از زبانِ حسن روایت کنم و طی دو سال

۱. تکیه کلام حسن ترک به دوستانی که بیشترشان شهید شده‌اند.

۲. ورزقی منہ رزقا حسنا؛ «از جانب خود برای من روزی نیکو رسانده. (هود: ۸۸)

\* آیات مندرج در کتاب متناسب با نوع بیان و تسلط بالای شهید حسن ترک به علوم قرآنی از سوی نویسنده انتخاب شده است.

۳. طارق: ۲

۴. شهری مُتحدِّثانِ حُسَنَت/الأمّتحیرانِ خاموش (غزلیات سعدی)

پژوهش و یک سال نگارش کوشیدم که تصویری واقعی و ملموس از یک فرمانده خلاق و طراح بیست و دو ساله که آبشخور اندیشه اش ریشه در کوثر زلال قرآن داشت را نشان بدهم.

\*\*\*

منتقد حق دارد که انگشت اعتراض روی این قلم بگذارد و بگوید این قدر شهدا را دست نیافتنی و آسمانی نکنید! خواننده ای که جنگ را بیشتر در منظومه آدم های خاکستری یا سیاه کاویده هم حق دارد که فانوس را افسانه بیندارد. اما من روح او را بر راستی این نوشتار گواه می گیرم و فاش می گویم که حسن ترک کلمه طیبه بود. او اهل مراقبه و محاسبه بود و آتش جنگ را تازیانه سلوک می دانست؛ تن را کتیبه زخم ها کرد و دل را آینه که انوار عنایت خدا بر آن بنشیند.

برای نوشتن از چنین دردانه ای، به امید «قبول حسن»، مقدمه را با تشرف به حرم سیدالشهدا در اربعین، چشم در چشم حرم، نوشتم. بخش هایی از کتاب پای ارتفاع بازی دراز قلمی شد و سطرهای پایانی کتاب را گنج صحن انقلاب در حرم امام رضا تنظیم و تکمیل کردم؛ آنجا که از حسن ترک خاطره ها داشتم.

تا باز کی به سوی هم افتد گذار ما.

## مختصات پژوهش، مستندات، شیوه نگارش

متن این کتاب گرچه از زبان شهید حسن ترک روایت می‌شود، از یکی از این سه راه حاصل شده است:

۱. دفاتر چهارگانه یادداشت شهید حسن ترک در موضوع محاسبات و مراقبات اخلاقی و روزنوشت‌های مناطق عملیاتی او از سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۴.

۲. مصاحبه با ۸۴ نفر، اعم از خانواده و همراه و هم‌رزم، به مدت ۱۲۵ ساعت به شرح اسامی پیوست.

۳. مکتوبات تاریخی که به شهید حسن ترک اشاراتی داشته‌اند؛ شامل پانزده کتاب.

\* شیوه نگارش با انتخاب زاویه دید اول شخص و تقسیم سخن راویان به دو بخش متن و پاورقی به ضرورت منطقی روایت و بارعایت اصلی انسجام و پیکره‌مندی میان متن و پاورقی.

\* مطالب ۸۴ راوی آنجا که از نوع گزاره‌های خبری است، از زبان حسن ترک در متن به کار آمده است و اگر در توصیف شخصیت حسن ترک بوده یا روایت او را تکمیل می‌کرده، از زبان ۸۴ نفر در پاورقی‌ها آمده است.

\* معمول است که پیوست‌ها، اعم از اسامی راویان و منابع مکتوب، در انتهای کتاب بیاید، اما با عنایت به روایت کتاب از زبان شهید حسن ترک و برای تنویر ذهن خواننده کتاب و اتقان سندیت روایت ترجیح دادم که اسامی و منابع را ابتدای کتاب بیاورم.

\* مصاحبه شونده‌گان (۸۴ نفر) - نسبت - زمان مصاحبه

۱. خانم اقدس صفروپور - مادر - ۱۴۰۱/۳/۲

۲. اکرم ترک - خواهر - ۱۴۰۲/۱/۷

۳. محمد تقی ترک - برادر - ۱۴۰۲/۶/۲

۴. امیرحسین ترک - برادر - ۱۴۰۱/۱۰/۵

۵. حسن نادری - هم‌رزم و داماد خانواده - ۱۴۰۲/۲/۵

۶. آیت‌الله حاج سیدرضا فاضلیان - استاد و معلم اخلاق - ۱۳۹۸/۱۱/۲

۷. حجت‌الاسلام والمسلمین حاج حمید ملکی - هم‌رزم

اطلاعات عملیات در عملیات‌های والفجر ۲، والفجر ۵، عملیات عاشورا

و والفجر ۸ - ۱۳۹۹/۱۱/۲

۸. حجت‌الاسلام والمسلمین سید حسن فاضلیان - دوست و هم‌رزم

- ۱۳۹۹/۱۰/۲۸

۹. حجت‌الله کریم‌پور - هم‌دوره جلسات قرآنی (پیش از انقلاب، دهه

پنجاه) - ۱۴۰۲/۷/۵

۱۰. دکتر محمد دارابی - عضو جلسه قرآن عسکریه و بسیج و انجمن

دبیرستان ابن‌سینا - ۱۴۰۲/۱/۲۹

۱۱. مهندس حجت‌الله کتابی - مسئول اعضای ذخیره سپاه (ابتدای

تشکیل سپاه) - ۱۴۰۳/۵/۲۵

۱۲. سعید مجتهدی - هم‌دوره جلسات قرآنی و همکار در حزب

جمهوری اسلامی - ۱۳۹۹/۱۱/۱۷